

# گر پدر نیست تفنگ پدری هست هنوز

## صبغت‌الله احمدی، سخنگوی جبهه مقاومت ملي افغانستان:

سارا معصومي | روزي نيست که افغانستان در صدر اخبار بين‌المللي نباشد. جامعه جهاني پس از بيست سال ادعاي مبارزه با تروريسم و کمک به آبادي افغانستان، اين کشور را در سايه توافقنامه دوحه به طالبان واگذار کرده و گريخت. اکنون چندماه پس از تصاحب پاي‌تخت و سلطه طالبان بر سراسر جغرافياي افغانستان، مردم اين کشور از شدت فقر به فروختن فرزندان خود روي آورده‌اند و ما هر روز شاهد هشدار نهادهاي بين‌المللي درباره وخامت اوضاع انساني در افغانستان هستيم. در اين ميدان، جبهه مقاومت ملي افغانستان به رهبري احمد مسعود فرزند احمد شاه مسعود فقيد به مقابله نظامي با طالبان و البته تلاش براي گفت‌وگوي سياسي با آنها روي آورده است. در چند روز گذشته اخباري مبني بر افزايش حملات جبهه مقاومت عليه طالبان در گوشه و کنار افغانستان به گوش رسيده و به عنوان نمونه روز گذشته به نقل از مسوولان اين جبهه، گفته شد که در هشت روز گذشته جبهه مقاومت ۶۱ جنگجوي طالبان را کشته است. هفته گذشته با صبغت‌الله احمدی، سخنگوي وزارت امور خارجه پيشين و سخنگو و رييس روابط استراتژيك جبهه مقاومت ملي افغانستان که جانشين شهيد محمدفهم دشتي سخنگوي پيشين اين جبهه شده گفت‌وگو کردم. صبغت‌الله احمدی که اين روزها در داخل افغانستان و در جبهه‌هاي مقابله نظامي حضور دارد در اين گفت‌وگوي تفصيلي تاکيد دارد که هيچ‌کس در داخل افغانستان از سياستمداران قديمي تا مردم عادي از سلطه طالبان راضي نيست و مقاومت در حال شکل‌گيري در گوشه و کنار است. سخنگوي جبهه مقاومت ملي مي‌گويد که تنها راه پيش روي طالبان تن دادن به برگزاري انتخابات شفاف و سالم در سايه نظارت‌هاي بين‌المللي است که به تشكيل دولت فراگير در افغانستان منتهي شود. مشروح اين گفت‌وگو را در ادامه مي‌خوانيد

در ابتدای بازگشت طالبان به قدرت- البته با قشون‌کشي نظامي- ما شاهد درگيري‌هايي در پنجشير بوديم. مدتي است که به نظر ميرسد اوضاع در اين منطقه آرام‌تر شده است. وضعيت امروز پنجشير چگونه است؟

وضعيت در جبهه‌هاي جنگ به خصوص پنجشير بسيار خوب است. ما شوک‌هاي اوليه را پشت سر گذاشته‌ايم و البته همه مي‌دانند که افغانستان در نتيجه يك توطئه سقوط کرده است. در حال حاضر، نيروهاي جبهه مقاومت

ملي افغانستان حملات چريکي عليه گروه تروريستي طالبان را شدت بخشیده‌اند. در جبهه اندراب هم وضعیت خیلی خوب است. در چندوقت اخیر در پنجشیر، اندراب، خوست، بخشی از کاپیسا، تخار، سمنگان، بدخشان، بادغیس و غور حملاتی علیه طالبان انجام شده که در نتیجه آنها تلفات سنگینی به آنها وارد شده است. انشاءالله تا مدت کوتاه دیگری خبرهای خوب از فتوحات جبهه مقاومت ملي را به اطلاع شما خواهیم رساند.

## **پس عملاً جبهه مقاومت ملي وارد فاز مبارزه مسلحانه با طالبان شده است؟**

بدون تردید، چریک‌های جبهه مقاومت ملي افغانستان در تمام افغانستان فعالیت خود را آغاز کرده‌اند. ما در بیشتر ولایت‌های شمالی افغانستان، شرقی، مرکزی و در غرب حملاتی علیه طالبان انجام دادیم که خوشبختانه چریک‌های جبهه مقاومت آسیبی ندیدند اما به طالبان تلفات بسیار سنگینی وارد شده است.

آیا در چندماه اخیر گفت‌وگویی سیاسی یا پیام‌رسانی میان طالبان و جبهه مقاومت در جریان بوده است؟ (اخباری منتشر شده مبنی بر آنکه هیات جبهه مقاومت ملي روز چهارشنبه گذشته مذاکراتی را با نمایندگان طالبان در شهر «چاریکار»، مرکز ولایت پروان برگزار کرده و این مذاکرات در جوی خوب برگزار شد.)

ما گفت‌وگویی رودررو با طالبان نداشته‌ایم. البته درخواست‌هایی برای گفت‌وگو مطرح بوده و درهای جبهه مقاومت ملي افغانستان برای گفت‌وگو باز است. ما صلح را ترجیح می‌دهیم اما طالبان با دسیسه‌ای از پیش طراحی شده توانستند بر افغانستان و بیشتر نقاط آن مسلط شوند و اگر همچنان بر مسائلی که خلاف خواست مردم افغانستان است تأکید کنند، مطمئن باشند که توان مقاومت در برابر مردم افغانستان را نخواهند داشت. ما به مبارزه مسلحانه تا آزادی افغانستان ادامه خواهیم داد و اگر طالبان به صلح تن ندهد و به خواست مردم افغانستان احترام نگذارد، قطعاً ما وارد مرحله جدیدی از حملات علیه طالبان در بیشتر ولایت‌ها خواهیم شد.

شما گفتید پیشنهادهایی برای گفت‌وگو میان طالبان و جبهه مقاومت مطرح شده است. چرا جبهه مقاومت این پیشنهادها را نمی‌پذیرد؟ شروط شما برای آغاز گفت‌وگوهای سیاسی با طالبان چیست؟

این پیشنهادها از سوی طالبان نبوده بلکه از سوی برخی کشورهای که به دنبال شکل‌گیری گفت‌وگو میان جبهه مقاومت ملی افغانستان و طالبان هستند، مطرح شده است. شروط ما بسیار واضح هستند: کابل باید غیرنظامی شده و نیروی حافظ صلح سازمان ملل در آن مستقر شود، طالبان از مناطق شمال، مرکزی و بخش‌هایی از غرب افغانستان نیروهای خود را عقب ببرند تا برای گفت‌وگو میان هیات ما و هیات طالبان اعتمادسازی صورت بگیرد.

## **با توجه به اینکه طالبان در حال حاضر بر جغرافیای افغانستان سلطه دارد پیش‌شرط‌های جبهه مقاومت ملی برای آغاز گفت‌وگو با طالبان را حداکثری نمی‌دانید؟**

گفت‌وگو ساز و کاری دارد. طالبان ابتدا باید اعتمادسازی انجام بدهد چرا که قبلاً تعهداتی داده و به آنها عمل نکرده است. در یکی از موارد اخیر، ملاهیت‌الله، سرکرده گروه تروریستی طالبان عفو عمومی اعلام کرد اما متأسفانه بسیاری از نیروهای پیشین امنیتی افغانستان که به این وعده اعتماد کرده بودند از سوی طالبان شکنجه شده و به شهادت رسیدند. در این مدت، بسیاری از مردم عادی هم با اتهام‌های عجیب و غریب به زندان افتاده و تعدادی از آنها هم زیر شکنجه شهید شدند. طالبان هر روز با کشتار و شکنجه و آزار و اذیت مردم در حال نقض حقوق بشر و ارتکاب جنایت است. ما به طالبان اعتماد نداریم لذا طالبان ابتدا باید اعتمادسازی بکند. من با اعتماد کامل به شما می‌گویم که در تمام افغانستان مبارزه برای آزادی آغاز شده و حملات علیه طالبان شدت می‌گیرد. ما می‌توانیم افغانستان را دوباره از چنگ گروه تروریستی طالبان آزاد کنیم.

**به نظر می‌رسد که جبهه مقاومت ملی در حال حاضر تنها تشکل مشخصی است که به مقاومت مسلحانه در برابر طالبان روی آورده است و ما چندان شاهد مقاومت مردمی در برابر طالبان نیستیم.**

پیش از آنکه فعالیت جبهه مقاومت ملی گسترده شود مقاومت تنها در دو نقطه وجود داشت: پنجشیر و اندراب. در هر دو محدوده طالبان موفق نشدند به نقاط اصلی راه پیدا کنند و مقاومت شدیدی صورت گرفت. حالا در تخار، بدخشان، سمنگان، بادقیس و بسیاری از مناطق دیگر و حتی کابل تحرکاتی آغاز شده است. این آغاز تحول بزرگی است و مردم به پا خاسته‌اند. اینگونه نبوده که ما به تمام این مناطق

چريك اعزام كنيم يا مبارزان جبهه مقاومت از اندراب و پنجشير به اين مناطق بروند بلكه خود مردم دسته‌هاي مقاومت تشكيل داده و به طالبان حمله مي‌كنند و اين قصه ادامه دارد. ما با ولايت‌هاي ديگر هم در تماس نزديك هستيم .

با توجه به ميزان تسليحاتي كه در اختيار طالبان قرار دارد - مي‌دانيم كه تجهيزات و تسليحات امريكايي هم در اختيار طالبان قرار گرفته است - به علاوه سلطه سياسي طالبان شانس براي مقاومت مسلحانه در برابر آنها براي جبهه مقاومت و مردم قائل هستيد؟ طالباني كه براي بازگشت به قدرت از كشتن مردم افغانستان هم حذر نكرد ساكت نمي‌نشيند.

بگذاريد نکته‌اي را كه به شعار مردم تبديل شده بگويم. گذشتگان ما زماني كه شوروي به افغانستان آمد در برابر نيروي بزرگي جنگيدند و امروز مردمی كه در سنگر نشسته‌اند مي‌گويند: «گر پدر نيست تفنگ پدري هست هنوز.» مطمئن باشيد كه آرزوها و آزادي مردم افغانستان بر باد نميرود، نقض حقوق بشر ادامه پيدا نمي‌كند، حقوق زن دوباره اعاده ميشود، حيثيت زن به زن دوباره بازگردانده خواهد شد.

زماني كه طالبان ولايت به ولايت حركت مي‌كرد ما شاهد بوديم كه مقاومتی از سوي مردم صورت نمي‌گرفت و حتي در برخي ولايتها نيروهاي ارتش افغانستان فرار کرده بعضا به كشورهاي همسايه پناه آوردند. بسياري در توضيح اين مساله تاكيد داشتند كه دهه‌ها جنگ مردم افغانستان را خسته کرده است. حتي امروز هم كه من با برخي از مهاجران افغان صحبت مي‌كنم مي‌گويند اگر فقر ريشه‌كن شده و امنيت برقرار شود به افغانستان باز مي‌گردند. فكر مي‌كنيد چقدر اين خسته شدن از جنگ باعث ميشود مردم افغانستان حداقل در ميان مدت در برابر طالبان دست به اقدام جدي نزنند.

آقاي اشرف غني و تيم او خيانت ملي بزرگي را مرتكب شده و نيروهاي امنيتي افغانستان با دسيسه و توطئه كلان از هم فروپاشيدند. طالبان با يك توطئه از پيش طراحي شده - و نه زور- توانست بر افغانستان سلطه پيدا كند. مردم در آن زمان هم نمي‌خواستند كه طالبان روي كار بيايد. هيچ كس حاضر نبود آزادي بيان را قرباني يك گروه تروريستي بكنند، از حقوق زن و مرد افغان بگذرد يا دستاوردهاي 20 سال اخير را از دست بدهد. مردم حاضر بودند براي حفظ اين موارد قرباني بدهند اما متاسفانه حاكم وقت افغانستان آقاي اشرف غني و تيم او خيانت کرده و افغانستان را دو دسته و به گروه‌هاي تروريستي تسليم

کردند. البته مساله خسته بودن مردم از جنگ هم درست است. ما هم صلح ميخواهيم. اميدوار هستيم که طالبان به اين نتيجه رسيده باشند که جنگ راه حل نيست و بايد براي تشکيل حکومت فراگير منتخب مردم که به ارزشهاي 20 سال اخير احترام بگذارد وارد مذاکره شوند. فعلا درها براي انجام گفتوگو باز است اما اين در هميشه باز نمي ماند و ما همزمان که گفتوگو ميکنيم به مبارزه مسلحانه هم ميپردازيم.

**طالبان در 20 سال گذشته براي بازگشت به قدرت از کشتن هموطنان خود هم ابايي نداشته است. امروز اين گروه قدرت را در اختيار دارد. فکر ميکنيد حاضر به گفتوگو براي تقسيم اين قدرت باشد؟**

ما اميدوار هستيم اما مطمئن نيستيم که طالبان دست به تقسيم قدرت بزنند. به همين دليل پيشنهاد کرديم که کابل غيرنظامي شده، اعتمادسازي صورت بگيرد و هيأتهاي دو طرف از طالبان و جبهه مقاومت ملي افغانستان در پاي تخت با هم ديدار کرده و به توافق برسند.

اين توافق خطوط قرمزي دارد که پيشتر بيان کردم. حکومت در نتيجه انتخابات شفاف، عادلانه و سراسري که تمام مردم افغانستان خود را در تعيين رهبر آينده سهم بدانند، تشکيل شود. حالا از دل انتخابات چه کسي بيرون خواهد آمد را ما هم نميدانيم اما فرد منتخب بايد مورد پذيرش همه قرار بگيرد و هيچ کس حق ندارد نظر خود را به مردم افغانستان تحميل کند. افغانستان، کشور کثير القومي است لذا در سايه حکومت فراگير، افکار متعدد و مذاهب مختلف چون سني حنفي، فقه جعفري و مذهب اسماعيليه همه بايد مورد احترام قرار بگيرند. طالبان پذيرند که اين کشور براي همه مردم افغانستان است و آنها بايد به تمام مردم افغانستان احترام بگذارند.

شما از برگزاري انتخابات سالم صحبت ميکنيد اما در بيست سال اخير هم که ساختار سياسي مشخصي در افغانستان بر روي کار بود ما به ندرت شاهد برگزاري چنين انتخاباتي بوديم و انتخاباتهاي برگزار شده همواره با شائبههاي همراه بوده است. چقدر فکر ميکنيد در سايه طالبان برگزاري انتخابات سالم ممکن است. (البته اگر فرض اوليه و البته تقريبا دور از ذهن موافقت طالبان با برگزاري انتخابات را پذيريم.)

سقوط افغانستان عوامل زيادي داشت و يکي از آنها توطئه اشرف غني و تيم او بود. مساله ديگري که بايد به آن اشاره کنم اين است که اشرف غني انتخابات را در نتيجه تقلب برنده شده بود. در اين سالها

تمام این موارد نادیده گرفته شد و این باعث فروپاشی نظام شد. آنچه که ما به دنبال آن هستیم این است که تایید قانون اساسی از سوی مردم افغانستان باشد و در عین حال ساز و کاری برای برگزاری انتخابات ایجاد شود که در سایه نظارت جامعه جهانی و مردم افغانستان - به شمول احزاب و گروه‌های سیاسی- هیچ‌کس نتواند تقلب کند. ما معتقد هستیم که می‌توانیم انتخابات آزاد، شفاف و عادلانه داشته باشیم.

حرف شما درباره اینکه ما در سال‌های گذشته هم انتخابات شفاف در افغانستان نداشتیم دقیق است اما در آن زمان وضعیت به گونه‌ای بود که هر چیزی ممکن بود و در نتیجه شرایط فوق فرسودگی شکل گرفته بود. باز هم تاکید می‌کنم که ما باید به سمت برگزاری انتخابات شفاف و نظام غیرمتمرکز برویم که تمام اقوام افغانستان خود را در آن حکومت و تصمیم‌گیری‌ها یش شریک بدانند.

چند هفته پیش شاهد مصاحبه يك خبرنگار ایرانی با ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان بودیم که در آن مصاحبه او با زیر سوال بردن قدرت و محبوبیت جبهه مقاومت ملی گفت که اگر جبهه مقاومت ملی محبوب بود ما شاهد پیوستن مردم افغانستان به این جبهه بودیم. پاسخ شما به این ادعا چیست و آیا جبهه مقاومت برای همراه کردن تعداد بیشتری از مردم افغانستان با خود برنامه‌ای هم دارد؟

در آن زمان هم مقاومت تنها در پنجشیر نبود و در اندراب هم تحولات و تحرکات جریان داشت. این نشان از محبوبیت مقاومت دارد. سوال اینجا است که اگر مقاومت در میان مردم محبوب نیست، چرا طالبان به خشونت روی آورده است؟ چرا سخت‌گیری می‌کنند؟ چرا پلیس افکار عمومی مردم شده‌اند؟ چرا هر روز به خانه‌های مردم هجوم می‌آورند؟ چرا به کشتار نیروهای امنیتی سابق دست می‌زنند؟ این رفتارهای طالبان نشان می‌دهد که مقاومت در میان مردم جا باز کرده و محبوب است. در ولایت‌هایی چون غور، سمنگان و بادقیس، تخار، بدخشان، کاپیسا و ... شاهد کمین بر ضد طالبان هستیم. طالبان در این مناطق متحمل تلفات سنگین شده و نگران است. طالبان می‌داند که توان مقاومت در برابر جبهه‌های آزادی بخش و مبارزان ایستاده جبهه مقاومت ملی را ندارد.

**در حال حاضر احمد مسعود در داخل افغانستان**

# است یا خارج از کشور؟ رفت و آمدهای او چگونه است؟ آیا طالبان محدودیتی برای رفت و آمد مقام‌های جبهه مقاومت ایجاد کرده است؟

ما راه‌های زیادی برای رسیدگی به جبهه‌های مقاومت داریم. آقای مسعود به عنوان مسوول درجه يك و رهبر جبهه مقاومت ملی افغانستان طبیعتاً هم در داخل برای نظم‌دهی به جبهه‌ها فعال هستند و هم برای رساندن صدا و اهداف مقاومت به کشورهای دیگر سفر می‌کنند. احمد مسعود از راه‌هایی که مبارزان جبهه‌های مقاومت ملی افغانستان دارند، به خارج هم رفت و آمد دارند اما بیشتر در داخل افغانستان برای نظم‌دهی و ایجاد جبهه‌های جدید مقاومت فعال هستند.

پس از سقوط دولت قبل شاهد بودیم که عمده سیاستمداران مطرح افغان کشور را ترك کرده‌اند و به نظر می‌رسد که آنها که در داخل مانده‌اند هم در سکوت به سلطه طالبان تن داده‌اند. آیا رهبران و مقام‌های ارشد جبهه مقاومت با سایر رهبران سیاسی باقی مانده در کابل ارتباط دارند؟ فکر می‌کنید این اراده در رهبران باقی مانده در افغانستان برای شکل دادن ائتلافی با جبهه مقاومت برای کاستن از تبدیل شدن طالبان به قدرت مطلق در افغانستان وجود دارد؟

جبهه مقاومت گفت‌وگو‌هایی با دوستان سیاسی در داخل و خارج از افغانستان دارد. هیچ‌کس از طالبان راضی نیست و تمام افرادی که در داخل افغانستان مانده‌اند از این وضعیت به ستوه آمده‌اند. درب جبهه مقاومت ملی افغانستان باز است و همه می‌توانند برای کمک به آزادی و رهایی مردم افغانستان از زیر سلطه رژیم تروریستی طالبان با ما همکاری کنند. ان‌شاءالله شاهد افغانستان آزاد و آباد خواهیم بود.

من پاسخ سوال را نگرفتم. فکر می‌کنید رهبران سیاسی که در کابل در حاشیه نشسته‌اند تن به حکومت طالبان داده‌اند یا فکر می‌کنید در این جمع هم اتفاقی رخ خواهد داد؟

من فکر نمی‌کنم کسی به مصالحه با طالبان تن داده است. همه خواهان این هستند که طالبان به خواسته‌های مردم افغانستان از جمله شکل دادن حکومت فراگیر برآمده از انتخابات تن بدهند. حکومتی که به ارزش‌های مدنظر مردم افغانستان احترام بگذارد و به تعهدهای بین‌المللی افغانستان مهر تایید بزند و آن را تبلیغ کند.

در حال حاضر افغانستان با دو مشکل دست و پنجه نرم می‌کند: فقر و

گرسنگي و قوت گرفتن گروه‌هاي تروريستي چون داعش. طالبان با دستاویز قرار دادن این موضوعات سعی در تسریع روند به رسمیت شناخته شدن خود دارد و همزمان می‌بینیم که این دو مساله کشورهای همسایه و همچنین سایر کشورها را هم نگران وضعیت افغانستان کرده است. فکر می‌کنید تا چه اندازه این مسائل می‌تواند جامعه جهانی را به سمت پذیرش طالبان ببرد؟

دلیل این گرسنگي طالبان است اما مردم در افغانستان امنیت روانی و فیزیکی هم ندارند. گزارش‌های موثقی وجود دارد که طالبان بسیاری از پول‌هایی که در داخل افغانستان داخل بانک‌ها بوده را دزدیده است. طالبان تامین غذای نیروهای خود را در روستاهای دورافتاده و بسیار فقیر بر مردم عادی تحمیل کردند. طالبان جدا از اینکه امنیت روانی و فیزیکی را از مردم گرفته حالا از اطفال و بیوه زن‌های افغان هم امنیت غذایی را گرفته و ذخیره‌های مردم افغانستان را به زور می‌گیرد. اگر کسی در منزل خود آذوقه‌ای دارد باید 60 درصد آن را به طالبان بدهد. طالبان عامل فاجعه انسانی امروز در افغانستان هستند و چیزهایی که مطرح می‌کنند بهانه است. مثلی است که می‌گوید گرگی بالای تپه بود و آهویی پایین تپه. گرگ برای آنکه بهانه‌ای برای شکار آهو پیدا کند از بالا صدا می‌زد که چرا آب را گل‌آلود می‌کنی؟ در حالی که آب از بالا می‌آمد. حالا در افغانستان هم عامل فاجعه خود طالبان هستند و هر روز هم دامنه فاجعه را با کشتار و شکنجه و گرفتن امنیت غذایی مردم گسترده‌تر می‌کنند. طالبان مردم را آواره و سرگردان کرده‌اند و هیچ کس در داخل افغانستان احساس راحتی نمی‌کند و توان صدا بلند کردن را هم ندارد.

**طالبان ادعا می‌کند که تعداد تلفات مردمی از زمان روی کار آمدن این گروه کاهش پیدا کرده و البته این موضوع هم قابل چشم پوشی نیست که دلیل عمده این تلفات در دو دهه اخیر عملیات‌های انتحاری بوده که طالبان انجام داده است. این قبیل فضا سازی‌های طالبان چه تاثیری بر تصمیم‌گیری‌ها درباره این گروه دارد؟**

مردم افغانستان به چشم خود همه چیز را می‌بینند و این فضا سازی‌های طالبان بیشتر مصرف خارجی و نه داخلی دارد. مردم می‌بینند که يك شب طالبان همسایه آنها را ربوده، شکنجه کرده و کشته یا محاکمه صحرائی می‌کند. طالبان کماکان گروهی تروريستي است و هیچ گونه مسوولیتی در قبال مردم برای خود فرض نمی‌کند. طالبان می‌خواهند به بیرون از افغانستان نشان بدهند که هیچ تلفاتی در داخل کشور وجود ندارد اما شاید تلفات اعضای این گروه کم شده باشد اما هر روز آدم



می‌کشند و تلفات مردم بسیار بالا است. ما نگران جان مردم افغانستان و نیروهای امنیتی سابق هستیم.

شما از وجود آمار و شواهدی مبنی بر بازداشت شکنجه و قتل مردم افغانستان اشاره می‌کنید اما این مسائل چندان در خارج افغانستان انعکاس ندارد و شاید بخشی از آن هم به دلیل محدود شدن فعالیت رسانه‌های بین‌المللی در افغانستان باشد. چرا جبهه مقاومت ملی در بخش رسانه‌های این مسائل را مستند منتشر نمی‌کند تا جامعه جهانی را متوجه آنچه می‌گویید کند؟

مستندسازی در افغانستان مساوی با مرگ یک انسان است. هیچ کس جرات عکس و فیلم گرفتن ندارد. افرادی هستند که در تماس با ما می‌گویند نیروهای طالبان الان همسایه ما را برد و پس از 15 تا 20 روز که جست‌وجو می‌کنند با جسد همسایه که آثار شکنجه بسیار شدید روی بدن او بوده روبه‌رو می‌شوند. این مشکل این روزها در افغانستان بسیار جدی است.

رسانه‌های افغانستان نیز دیگر آزادی ندارند. آزادی بیان محدود نشده بلکه از اساس وجود ندارد و به همین دلیل مستندسازی از جنایات‌های طالبان هم بسیار سخت است. طالبان تلاش می‌کنند تمام جنایات‌های خود را محفوظ نگه دارند تا کسی از آن خبردار نشود. برای طالبان مهم نیست که مردم افغانستان چه فکر می‌کنند بلکه می‌خواهند جهان متوجه جنایات‌های آنها در داخل افغانستان نشود.

در دوره قبل حکومت طالبان جامعه جهانی چشم خود را بر آنچه بر سر مردم افغانستان می‌گذرد بست و زمانی وارد میدان شد که حملات 11 سپتامبر رخ داد و امنیت ایالات متحده تحت‌الشعاع قرار گرفت. این بار هم به نظر می‌رسد که جامعه جهانی چشم خود را بر درد و رنج مردم افغانستان بسته است.

ما تفاوتی میان طالب و داعش نمی‌بینیم. مردم افغانستان تفاوتی میان این دو نمی‌بینند. هر دو

دو روی یک سکه هستند. تفاوت آنها این است که طالبان با کمک حامیان خود این توان را پیدا کردند که جنایات‌های خود را پنهان کنند اما جنایات‌های داعش کماکان منتشر می‌شود. هر دو یک رقم فکر می‌کنند و تفاوتی در خلق جنایت ندارند. متأسفانه در هر موردی بسیار سریع و بدون پرسش افراد را بازداشت و شکنجه کرده و می‌کشند. طالبان تهدید بسیار جدی‌تر برای کشورهای منطقه و جهان هستند و

ظرفیت تبدیل شدن به تهدید جهانی را دارند. می‌توانم بگویم که در آینده نزدیک اگر طالبان همچنان در قدرت بمانند کل دنیا و منطقه متوجه خواهند شد که این گروه قابل اعتماد نبوده است. گروه‌های تروریستی متعدد از کشورهای دیگر در اردوگاه‌های مشترک نظامی با طالبان آموزش می‌بینند و سلاح‌هایی را که از حکومت قبلی به دست آورده‌اند در اختیار آنها قرار داده و تهدید جدی برای منطقه خواهند بود.

## انتظار شما از جامعه جهانی برای کمک به مردم افغانستان چیست؟

ما از کمک‌های بشردوستانه تمام مردم دنیا به مردم افغانستان استقبال می‌کنیم اما آنها قطعاً باید بر نحوه توزیع این کمک‌ها نظارت کنند. گزارش‌هایی منتشر شده مبنی بر اینکه بسیاری از کمک‌هایی که به استان بدخشان شده بود از سوی طالبان دزدیده شده است. این باید از سوی سازمان‌های امداد رسانی بین‌المللی توزیع شده و نظارت شدید بر توزیع این کمک‌ها باشد. متأسفانه برای طالبان مهم نیست که چند نفر از گرسنگی در افغانستان تلف خواهند شد. برای طالبان ایجاد داستان‌های ساختگی از مظلوم‌نمایی مهم‌تر است. طالبان افغانستان را به گروگان گرفته‌اند و تظاهر می‌کنند که نگران این مردم هستند اما اگر نگران هستند چرا از کمک‌هایی که به نیازمندان افغانستان می‌شود، می‌دزدند.

برخی از افرادی که مخالف سلطه کامل طالب در افغانستان هستند و معتقدند که افغانستان با توجه به تنوع قومیتی در آن نمی‌تواند توسط یک قوم که آن هم کمتر از 50 درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهد اداره شود از راهکار نظام فدرالی به عنوان مدل خوبی برای آینده سیاسی افغانستان یاد می‌کنند. چقدر با این ساختار موافق هستید و مهم‌تر از آن فکر می‌کنید چقدر این ساختار در افغانستان قابل اجرا باشد؟

نظام متمرکز در افغانستان نتیجه نداده و به همین دلیل ما خواهان استقرار نظام غیرمتمرکز هستیم. نتیجه نظام متمرکز دیکتاتوری بیشتر و جمع شدن تمام قوا در اختیار یک نفر بوده که بیشتر فساد به بار آورده است. فساد هم مالی و هم اداری بوده و وضعیت افغانستان را به اینجا کشانده است. ما خواستار نظام غیرمتمرکز هستیم که تمام اقوام افغانستان در آن حرفی برای گفتن داشته باشند و در

سایه آن سهم خود را برای ساختن افغانستانی آباد و آزاد بگیرند.

## **رابطه جبهه مقاومت با سایر کشورها؟ با کدام کشورها بیشترین تماس را دارید؟**

ما خواستار روابط نیک با تمام کشورها هستیم و با بسیاری از کشورها روابط نزدیک داریم. تمامی سفارتخانه‌های افغانستان در سایر کشورها به شکلی با جبهه مقاومت ملی در ارتباط هستند. ما خواستار گسترده شدن این روابط با منطقه و کشورهای جهان هستیم.

## **آیا از مقاومت مسلحانه جبهه مقاومت هم حمایتی میکنند یا بیشتر تلاش میکنند جبهه را به سمت گفتوگوهای سیاسی ببرند؟**

مردم دنیا هم در منطقه و هم در فرامنطقه از جبهه مقاومت ملی حمایت کرده و میکنند. طبیعتاً دولت‌ها هم متوجه شده‌اند که طالبان گروهی تروریستی و غیرقابل اعتماد است. آرزو می‌کنیم که این گروه تغییر کند و ما بدون جنگ و خونریزی بتوانیم حکومتی را که براساس ارزش‌های ملی و بین‌المللی افغانستان است روی کار بیاوریم.

**شما ابراز امیدواری می‌کنید که طالبان تغییر کند اما برخی می‌گویند طالبان امروز همین حالا هم با طالبان دهه نود فرق دارد. با این گزاره موافق هستید؟**

طالبان در یک چیز تغییر کرده و آن هم دروغ‌گویی بیشتر است. طالبان در دهه نود مانند داعش آنچه را که بود به تصویر می‌کشید و امروز زرنگ‌تر شده و آنچه که هست را به تصویر نمی‌کشد و جنایت‌های خود را پنهان می‌کند تا به دنیا این‌گونه وانمود کند که حکومتی مسوول است. طالبان بدون آنکه حکومتی همه شمول و برخوردار از سازوکار مشخص و نماینده تمام مردم را تشکیل بدهد، نمی‌تواند به مردم حکومت بکند. تاکنون دنیا هم طالبان را به رسمیت نشناخته و سازمان ملل متحد هم پاسخی درخور شأن به طالبان داده و درخواست آنها را رد کرده است. این نشان می‌دهد که جامعه جهانی خود را در قبال افغانستان مسوول احساس می‌کند و این تصمیم سازمان ملل و رفتار سایر کشورها در به رسمیت نشناختن طالبان امیدواری ما را افزایش داده است.

**فکر می‌کنید پروسه به رسمیت شناختن طالبان از سوی قدرت‌ها و**

**بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای چقدر طول بکشد؟ می‌بینیم که هر روز بر حجم رفت‌وآمدهای دیپلماتیک با طالبان افزوده می‌شود.**

تصمیمی که سازمان ملل گرفته حداقل تا 10 ماه دیگر ماندگار خواهد بود. با توجه به وضعیت جاری توقع این است که کشورهای منطقه با مسوولیت‌پذیری با این مساله برخورد کنند و انتظار ما این است که گروهی تروریستی را به رسمیت نشناسند. به رسمیت شناختن طالبان، سایر گروه‌های تروریستی را تشویق می‌کند که به سمت کودتا و تصاحب قدرت با توطئه بروند و سپس از سایر کشورها بخواهند که آنها را به رسمیت بشناسند. این نظم منطقه و جهانی را به هم می‌زند و انتظار ما این است که طالبان به رسمیت شناخته نشود. البته طالبان هم هر روز جنایت می‌کند و این روی پروسه به رسمیت شناخته شدن آنها تاثیر می‌گذارد. سازمان ملل به صدای زن و مرد و پیر و جوان افغانستان گوش داد و این البته بله گفتن به درخواست‌های مردم افغانستان بود که صدایشان در گلوی آنها ازسوی گروه‌های تروریستی خفه شده است و این مردم در زیر سلطه گروه‌های تروریستی و گروگان رژیم طالبان گرفته شده‌اند.

**شما از کلمه گروه تروریستی برای اشاره به طالبان استفاده می‌کنید اما برخی کارشناسان و تحلیلگران معتقدند که طالبان بخشی از بدنه اجتماعی و مردمی افغانستان است و به همین دلیل توانسته پس از بیست سال دوباره قدرت را به دست بیاورد و 20 سال حمله نظامی هم آن را ریشه‌کن نکرده است. شما به عنوان یک شهروند افغانستان تا چه اندازه با این گزاره موافق هستید؟**

در دهه 90 نیز کسی طالبان را گروه تروریستی نمی‌دانست اما بعدها مشخص شد که آنها تروریست بودند. این را تجربه ثابت کرده و آزموده را آزمودن خطاست به خصوص اگر حرف طالبان در میان باشد. طالبان نشان دادند که نمی‌توانند گروهی مسوول باشند. ماهیت آنها با کشتار و قتل شکل گرفته و به داشتن گروه‌های انتحاری افتخار می‌کند. اعضای طالبان کسانی هستند که دستشان به خون ده‌ها هزار نفر از مردم بی‌گناه افغانستان آلوده است.

طالبان خانواده این قبیل افراد را مورد تکریم قرار داده و این قبیل کارها باعث می‌شود که آنها به عملیات انتحاری و منفجر کردن خود تشویق شوند. متأسفانه این وضعیت بیانگر آن است که طالبان تغییر نکرده است. دنیا هم این را می‌بیند و همه می‌دانند که وزیر همین طالبان اعضای خانواده عاملان انتحاری را به نشانه قدردانی در

آغوش گرفته و گریه می‌کند. این قبیل رفتارها یعنی تشویق به خشونت و انتحار. درحالی‌که مردم افغانستان خواهان تبلیغ عدالت هستند و به دنبال این بودند که انیس حقانی اعدام شود که متأسفانه با توطئه و دسیسه کلان از زندان‌های افغانستان رهایی پیدا کرد و برادر او سراج‌الدین حقانی فعلاً به قول خودشان وزیر داخله افغانستان است. البته باید به این نکته هم اشاره کنم که طبیعتاً اختلاف میان اعضای طالبان بسیار زیاد و در میان گروه‌های تروریستی این مسائل همیشه وجود داشته است.

برخی از آنها به دنبال استفاده از درب گفت‌وگویی هستند که فعلاً باز شده است، اما این تعداد توانایی چندانی ندارند و سایر اعضای طالبان اجازه قدرت‌گیری این طبقه را نمی‌دهند و این وضعیت را وخیم‌تر کرده است.

**گفته می‌شود که ایران یکی از کشورهای بوده که در مدیریت بحران میان مقاومت پنجشیر و طالبان و به نوعی مانع از تشدید تنش میان این دو شدند. می‌توانید در این باره توضیحاتی بدهید؟ رابطه جبهه مقاومت ملی با ایران چگونه است؟**

جمهوری اسلامی ایران هم فرهنگ ما، هم کیش ما و همزبان ماست و ایران همسایه بسیار نزدیک ماست. ما تاریخ مشترک و اشتراک‌های بسیار زیادی داریم که شاید هیچ دو کشوری در این منطقه با هم نداشته باشند. مردم ایران بزرگوارانۀ از ندا و صدای مظلومیت مردم افغانستان دفاع کردند. با مردم ما ایستادند و راهپیمایی کردند و صدای مردم افغانستان را چه در داخل و چه خارج افغانستان هم‌رسانی کردند. مردم ایران در شبکه‌های اجتماعی و در تمام صحنه‌ها کنار ما حضور داشتند. ما بسیار قدردان هستیم. حکومت جمهوری اسلامی ایران همواره دوست مردم افغانستان و سیاست‌گذاری‌های آن به نفع مردم افغانستان بوده است. همسایه بسیار مسوول بوده و ما از مردم و دولت ایران قدردانی می‌کنیم. مطمئن هستیم که دولت جمهوری اسلامی ایران راهی را که مردم افغانستان انتخاب می‌کنند، پشتیبانی می‌کند. جمهوری اسلامی ایران نشان داده که با هر وسیله و ابزار از مردم افغانستان حمایت می‌کند.

مردم ایران نگران مردم افغانستان هستند و من سپاسگزار حس همدردی و همسویی که مردم ایران نسبت به مردم افغانستان دارند، هستم. من به شما اطمینان می‌دهم که جبهه مقاومت ملی افغانستان همیشه در صحنه ایستاده و ما به آزادی‌هایی که مردم افغانستان خواستار آن

هستند و مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران است، قطعاً دست پیدا می‌کنیم. جبهه مقاومت ملی در حال گسترش است و مواردی است که شاید چندان رسانه‌ای نشده باشند اما قطعاً هر روز به طالبان تلفاتی وارد می‌کنیم و جبهه آرام ننشسته و این جبهه، جبهه آزادی‌بخش است و ان‌شاءالله به زودی، آزادی افغانستان را همه با هم جشن می‌گیریم.

**رابطه جبهه مقاومت با پاکستان چگونه است؟  
به یاد داریم که گفته می‌شد هنگام حمله طالبان به پنجشیر، این گروه از حمایت عناصر اطلاعاتی یا نظامی پاکستان برخوردار بوده است؟**

ما خواستار روابط خوب با تمام کشورهای منطقه و جهان هستیم به خصوص پاکستان که ما مرزهای طولانی با این کشور داریم و به عنوان يك کشور مسلمان و قدرتمند از پاکستان می‌خواهیم که حداقل برای يك بار هم که شده مسوولانه با مساله افغانستان برخورد کند. ما نیت سوء علیه هیچ کشوری نداریم اما از پاکستان انتظار داریم که حداقل برای نخستین بار حسنیت نشان بدهد تا اعتمادسازی صورت گیرد و امیدوار هستیم که پاکستان این گام‌ها را بردارد.

**نقش ایالات متحده را در سقوط ساختار سیاسی پیشین و سلطه طالبان بر افغانستان تا چه اندازه جدی میدانید؟ به هر حال توافق دوحه زنگ خطرهایی را برای اهل فن به صدا درآورده بود. خروج ایالات متحده از افغانستان پایان برنامه‌ریزی‌های آمریکا برای افغانستان است یا نه؟**

می‌توانم بگویم که عامل سقوط در افغانستان آقای غنی و تیم او، فساد گسترده حکومتی و تفاوت گذاشتن میان مردم افغانستان بود. عامل سقوط در افغانستان را می‌توانید در داخل افغانستان جست‌وجو کنید.

**برای ایالات متحده پس از بیست سال حضور نظامی در افغانستان و رها کردن آن به دست طالبان هیچ سهمی در وضعیت امروز قائل**

## نیستید؟

ما خواهان گسترش رابطه با تمام دنیا هستیم. ایالات متحده امریکا همین حالا هم به مردم افغانستان در کنار سایر کشورها کمک می‌کند. روسیه، ایران، چین، هند و کشورهای اروپایی؛ ما از همه این کمک‌ها سپاسگزار هستیم و با تمام این کشورها روابط دوستانه خواهیم داشت.

---

جمهوری اسلامی ایران هم فرهنگ ما، هم کیش ما و همزبان ما است و ایران همسایه بسیار نزدیک ما است. ما تاریخ مشترک و اشتراک‌های بسیار زیادی داریم که شاید هیچ دو کشوری در این منطقه با هم نداشته باشند. مردم ایران بزرگوارانه از ندا و صدای مظلومیت مردم افغانستان دفاع کردند. با مردم ما ایستادند و راهپیمایی کردند و صدای مردم افغانستان را چه در داخل و چه خارج افغانستان هم‌رسانی کردند. مردم ایران در شبکه‌های اجتماعی و در تمام صحنه‌ها کنار ما حضور داشتند. ما بسیار قدردان هستیم

حکومت جمهوری اسلامی ایران همواره دوست مردم افغانستان بوده است و سیاست‌گذاری‌های آن به نفع مردم افغانستان بوده است. همسایه بسیار مسوول بوده و ما از مردم و دولت ایران قدردانی می‌کنیم. مطمئن هستیم که دولت جمهوری اسلامی ایران راهی را که مردم افغانستان انتخاب می‌کنند پشتیبانی می‌کند. جمهوری اسلامی ایران نشان داده که با هر وسیله و ابزار از مردم افغانستان حمایت می‌کند

---

دلیل این گرسنگی طالبان است اما مردم در افغانستان امنیت روانی و فیزیکی هم ندارند. گزارش‌های موثقی وجود دارد که طالبان بسیاری از پول‌هایی که در داخل افغانستان داخل بانک‌ها بوده را دزدیده است. طالبان تامین غذای نیروهای خود را در روستاهای دورافتاده و بسیار فقیر بر مردم عادی تحمیل کردند. طالبان جدا از اینکه امنیت روانی و فیزیکی را از مردم گرفته حالا از اطفال و بیوه‌زن‌های افغان هم امنیت غذایی را گرفته و ذخیره‌های مردم افغانستان را به زور می‌گیرد. اگر کسی در منزل خود آذوقه‌ای دارد باید 60 درصد آن را به طالبان بدهد. طالبان عامل فاجعه انسانی امروز در افغانستان هستند و چیزهایی که مطرح می‌کنند بهانه است

طالبان هر روز با کشتار و شکنجه و آزار و اذیت مردم در حال نقض





جنایتهای طالبان هم بسیار سخت است

کابل باید غیرنظامی شده و نیروی حافظ صلح سازمان ملل در آن مستقر شود، طالبان از مناطق شمال، مرکزی و بخشهایی از غرب افغانستان نیروهای خود را عقب ببرند تا برای گفتوگو میان هیات ما و هیات طالبان اعتمادسازی صورت بگیرد

گذشتگان ما زمانی که شوروی به افغانستان آمد در برابر نیروی بزرگی جنگیدند و امروز مردمی که در سنگر نشسته اند، میگویند: «گر پدر نیست تفنگ پدری هست هنوز»

00000000 1400 000 28 0000000 00000000:0000